

طرح ضربتی مقابله با اشراار و سارقان توسط فراجا کلید خورد، ایستادن پلیس در نقطه خدمات اجتماعی می تواند منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شود

طرح احیای پلیس



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

دزدی و سرقت امری نیست که محدود به چند روز یا چندسال اخیر باشد اما آمارهای می‌گویند در کلانشهر تهران در چند سال اخیر این میزان افزایش قابل توجهی داشته است. بر مبنای آماری که مرکز آمار ایران منتشر کرده است، میزان سرقت‌ها در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۹۹، در مکان‌های خصوصی دولتی به ترتیب ۸٫۸ و ۱۱٫۷ رشد داشته است. بر این اساس می‌توان گفت قصه دزدی‌ها و زورگیری‌ها در کلانشهرها مخصوصاً تهران در حال تبدیل شدن به موضوعی نگران‌کننده است. در این میان گروه‌هایی وجود دارند که به شکل سازمان یافته به زورگیری و سرقت دست می‌زنند و مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های آنها خفت‌گیری و سرقت است که علاوه برآن، امنیت روانی مردم شهر را نیز با چالش مواجه می‌کند. امری که جالی خالی پیگیری و برخورد جدی پلیس هم‌زمان با افزایش این سرت‌ها و مقابله با آنها احساس می‌شد. در همین راستا بود که روز شنبه سردار رادان، فرمانده انتظامی کشور از راه‌اندازی قرارگاهی برای مبارزه با سرقت و منصوب شدن فرمانده‌ای در این قراگراه برای مقابله و کنترل سارقان سابقه‌دار خبر داد.

پالس مثبت پلیس به افکار عمومی

شاید اگر رجوعی به نگاه افکار عمومی در یک سال گذشته درباره فعالیت نیروی انتظامی در کلانشهرها به خصوص تهران بیندازیم موضوعی که بیش از همه مورد توجه قرار خواهد گرفت، احتمالاً اقدامات و فعالیت‌های پلیس در قالب گشت‌های ارشاد باشد. امری که اگرچه نمی‌توان آن را دقیق دانست و تا حدی ناشی از فضای سازی است که در یک سال اخیر از جانب رسانه‌های فارسی‌زبان صورت گرفته است اما در سمنت دیگر نیز با توجه به اقدامات نیروهای انتظامی این شائبه تقویت شد که تمرکز روی موضوعاتی است که

وجهه فرهنگی و اجتماعی آن پرزنگ تراست. این جدیت در موارد دیگر و در برخورد با موضوعاتی مثل ناامنی‌ها دیده نمی‌شود. از این جهت اظهارات فرمانده انتظامی کشور درباره برقراری فرارگاهی برای مبارزه و کنترل سرقت‌ها را می‌توان امر مثبتی دانست که جدیت در این رابطه و برخورد با سرقت‌ها که مستقیماً امنیت مردم در کلانشهرها را مورد توجه قرار می‌دهد، پالس مثبتی از جانب نیروی انتظامی به افکار عمومی و کنشی در مقابل فضا سازی منفی که در یک سال گذشته از جانب رسانه‌های فارسی‌زبان صورت گرفت خواهد بود.

خرابکاری، دزدی، سرقت؛ آنچه اوباش همه یکجا دارند

پیش از اظهارات سردار رادان البته برخورد با سارقان و زورگیران از جانب نیروی انتظامی نیز کلید خورده بود. نکته قابل توجه درباره دستگیری و برخورد باسارقان این بود که عمده آنها گروه‌های سازمان یافته‌ای از اراذل و اوباشی بودند که در میان اموال سرقت‌شده از جانب آنها، انواع اسلحه و سلاح‌های گرم دیده می‌شد که در سطح شهر منجر به ایجاد ناامنی و دزدی از مردم می‌شد. علاوه بر این اراذل و اوباشی در سطح شهر وجود دارند که دزدی و سرقت یکی از اقدامات خرابکارانه آنهاست و ایجاد ناآرامی در سطح شهر و برهم زدن امنیت، دیگر فعالیت‌های خرابکارانه آنها بوده است. برای مثال در آخرین نمونه در جریان مراسم تدفین یکی از اراذل اوباش تهران، درگبری در بهشت زهرا میان اراذل و اوباش اتفاق افتاد و در جریان تیراندازی و جافوکشی یکی از معروف‌ترین این اراذل «هانی کرده» تیرخورد و زخمی شد. جدای از این در یک سال گذشته و بعد از بازداشت برخی از این اراذل سلاح‌هایی که بیشتر در میدان دაც استفاده می‌شد مثل دوش پر تپاز پیدا شد که نشان می‌داد، دزدی و دعوالتنها اقدام خرابکارانه این گروه‌ها در سطح شهر نبوده است. در جریان ناآرامی‌ها سال گذشته موضوعی که بیش از همه مورد توجه قرار می‌گرفت اقدامات و فعالیت خرابکارانه‌ی بود که علاوه بر آسیب به اماکن عمومی مثل بانک‌ها، ایستگاه اتوبوس‌ها یا اموال، ماشین‌ها و خانه‌های مردم نیز آسیب وارد می‌کردند. در ادامه این موضوع اثبات شد این اقدام از جانب اوباشی صورت می‌گرفت که

برخی از آنها فضا را برای این اقدامات مناسب دیدند و برخی نیز با هماهنگی با سازمان‌های جاسوسی دست به این اقدام‌ها می‌زدند. امری که آسیب مستقیم آن متوجه مردم و منجر به خدشه وارد کردن به امنیت آنها می‌شد. با این حال و با گذر از اتفاقات سال گذشته همچنان اقدامات و خرابکاری‌های برخی از این اراذل موضوع قابل توجهی است که ضرورت برخورد و اقدام جدی با این افراد بیش از گذشته احساس می‌شود.

مقابله با شعبون بی‌مخ‌هایی که امنیت ملی را تهدید می‌کنند

اوایل دی ماه بود که خبر اعدام جاسوسان موساد که در ایران اقدامات خرابکارانه انجام می‌دادند، منتشر شد. «وفا هواره» سر دسته این جاسوسان یکی از اراذل اوباش تهران بود که در جریان دیدارهایی که در سال ۱۴۰۰ با یکی از رباطان موساد داشت مأمور به تشکیل گروهی از اراذل و اوباش شده‌که دست به اقدامات خرابکارانه و سرقت اطلاعات افرادی که موساد به آنها می‌گفت، می‌زدند. در ظاهر امر فعالیت این تیم اوباش چیزی متفاوت‌تر از آنچه دیگر اوباش انجام می‌دادند، نبود. آتش زدن ماشین، سرقت موبایل و حتی آدم‌ربایی اقداماتی بودند که این گروه انجام می‌داد اما در واقع این کارها را به دستور موساد و درباره افراد مشخصی انجام می‌دادند. این گروه در ادامه فعالیت‌ها و اقدامات خود قرار بود به تورر شخصیت‌ها و افراد مهم برانزند که بازداشت می‌شوند. بخشی از اقدامات و فعالیت‌های این گروه در جریان اتفاقات سال گذشته و به سفارش موساد نیز انجام شد. در واقع همه آنچه یک گروه تورریستی مثل داعش می‌توانست انجام دهد از جانب اوباشی صورت می‌گرفت که شاید برخی از آنها آگاه نبودند این اقدامات در راستای خواست گروه‌های معاند و موساد صورت می‌گیرد. اقدامات و فعالیت‌های این گروه اوباش حتی منجر به شهید و زخمی شدن نیروی انتظامی و مردم معمولی شد. امری که نشان می‌داد اجزای پروژه ناآرامی و آشوب در ایران با فعالیت اوباشی صورت می‌گرفت و این بار اوباش تهران در قالب شعبان بی‌مخ‌های ده ۳۰ به دنبال تحقق اهداف خود هستند.

آمارها درباره سرقت و جرائم چه می‌گویند؟

کل کشور می‌دانند. سعید منتظرالمهدی، سخننگری فراجا چند ماه گذشته آماری درباره میزان سرقت‌ها در کشور داد. او ۱۲ هزار امسال در نشست خبری هفته فراجا گفت که کشفیات سرقت‌های خرد نسبت به مدت مشابه پارسال ۴۱ درصد افزایش پیدا کرده است. «متاسفانه ۵۸ درصد مورد سرقت‌ها مربوط به سرقت‌های خرد است. در این مدت شاهد افزایش ۴۱ درصدی کشفیات سرقت‌های خرد نسبت به مدت مشابه سال گذشته بودیم. سرقت‌های خرد گرچه مبلغ اندکی دارد، اما آرامش روانی و احساس امنیت در جامعه را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. لذا برخورد با آن جزء اولویت‌های مهم پلیس است.» پیش از او اردیبهشت امسال محمد قنبری، رئیس پلیس آگاهی فراجا آمارهایی از سرقت ارائه کرده بود. آمار او از سهم سرقت‌های خرد، اندکی افزایش پیدا کرده است. رئیس پلیس آگاهی فراجا در تشریح عملکرد پلیس آگاهی در سال ۱۴۰۱ تاکید کرد که در دوماه ابتدایی امسال و بعد از شروع طرح ویژه سرقت، حدود ۷۷ هزار و ۶۰۰ پرونده سرقت در سراسر کشور کشف شده‌اند.

به گفته او در همین بازه زمانی ۶۰۰ گوشی تلفن همراه و ۱۳۰ قطعه لوازم یدکی پیدا شده است. رئیس پلیس آگاهی فراجا همان زمان تاکید کرد بیش از ۵۷ درصد از مجموع سرقت‌ها در کشور مربوط به سرقت خرد است که اغلب به معنادران متجاهر آن را مرتکب می‌شوند. مهدی حاجیان، سخننگوی پیشین فرماندهی انتظامی کل کشور، ۲۳ اسفند سال ۱۴۰۰ آمار دیگری ارائه کرد. آماری که سهم کمتری برای سرقت‌های خرد در کشور تعیین کرده بود: «در حوزه سرقت ما شاهد افزایش ۱۰ درصدی سرقت‌های خرد در کل کشور هستیم که این موضوع محسوس هم هست. سرقت‌های خرد ۵۲ درصد از کل سرقت‌های سال ۱۴۰۰ بوده‌اند. آمار ارائه‌شده در کشور تقریباً مشابه با آماری است که برای تهران ارائه می‌شود. روزنامه همشهری سال ۱۴۰۰ گفت وگویی با علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران داشت.

درصد سرقت اولی بودند.

۷۷ هزار و ۶۶۰ سرقت در ۲ ماه اول سال کشف شد

همچنین سردار محمد قنبری اردیبهشت امسال در تشریح عملکرد پلیس آگاهی در سال ۱۴۰۱ در حوزه مقابله با سرقت گفته بود: «در راستای اجرای فرامین مقام معظم رهبری و همچنین سردار احمد رضا فرمانده کل انتظامی کشور، مهم‌ترین اولویت این پلیس مبارزه و مقابله جدی با سرقت است که در این خصوص بیش از سه هزار و ۵۰۰ باند فعال در استان‌های سراسر کشور طی این بازه زمانی متلاشی شدند. بیش از ۱۲۲ مرحله طرح‌های عملیاتی مقطعی استان‌های هدف، منطقه‌ای و طرح مشترک بین پلیس آگاهی و واحدهای تجسس کلانتری و پاسگاه‌های تابعه انجام شد. پیشگیری از وقوع سرقت گام مهمی در ارتقای احساس امنیت مردم است که در این خصوص شهروندان با رعایت نکات اصولی و ایمنی در جلوگیری از آن سهم بالایی را برعهده دارند.»

وی به آمار کشفیات سرقت و دستگیری و استرداد اموال استان‌های سراسر کشور از شروع طرح ویژه سرقت تا ۲۸ فروردین سال جاری اشاره کرده و گفته بود: «با گذشت حدود دوماه از اجرای این طرح بالغ بر ۷۷ هزار و ۶۰۰ پرونده سرقت در سراسر کشور توسط کارآگاهان پلیس آگاهی رسیدگی و کشف شده است. دستگیری نزدیک به ۲۴ هزار سارق و همچنین ۵۳۲ مالخر طی این بازه زمانی اتفاق افتاده است. طبق آمار ارائه‌شده توسط کارآگاهان مبارزه با سرقت حدود ۲۴۱ هزار پرونده راکند نیز در این دوره است که همچنان باز و تحت پیگرد هستند. طی این مدت از ۱۴۹ هزار قلم اموال مکشوفه حدود ۱۴۷ هزار قلم از جمله ۱۱ هزار و ۵۰۰ دستگاه خودرو، چهار هزار و ۲۰۰ دستگاه موتورسیکلت، ۶۰۰ عدد گوشی تلفن همراه و ۱۳۰ قطعه لوازم یدکی و… به مالباختگان استرداد شده‌اند.»

۲۲ درصد سرقت اولی بودند.

ما، با این تفاوت که دختر مادری شجاع و پدری قهرمان شده که از همان اولین ماه‌های جنگ، بخشی از بدنش را در جبهه جا گذاشته و بیش از ۴۰ سال است که با این چرخ‌های آهنی می‌رود و می‌آید. از بانو که در میان حرف هایش مدام روسری‌اش را مرتب می‌کرد و پیوسته لیخنذی بر لب داشت، پرسیدم: «هیچ وقت شد که خسته شوید؟ پشیمان شوید؟ بگویید که آن وقت‌ها جوان و خام بودم که این تصمیم را گرفتیم… اگر به گذشته برمی‌گشتم شاید حرف پدرم را گوش می‌کردم…» لحنش عوض می‌شود و جواب می‌دهد: «نه، نه. اصلاً. هیچ وقت. من خیلی خوشحالم. شوهرم را خیلی دوست دارم. سخت است. خودم هم می‌دانستم که سخت است. اما از انتخابم راضی‌ام. تازه آن روزهای جنگ نه فقط از شوهرم پرستاری می‌کردم که دوست کلی کار فرهنگی می‌کردم. مدتی هم معلم بودم. دخترم را هم خیلی دوست دارم. همیشه از انتخابم راضی بودم.» گمان می‌کردم حالا که بیشتر دوست شده‌ایم، حالا که چند عکس خانوادگی‌اش را دیده‌ام و حرف‌مان گل انداخته، شاید بتوانم رضایتش را بگیرم که حرف‌ها و زندگی عجیبش را با اسم خودش منتشر کنم و عکسی واقعی هم کنارش بگذارم. اما با همان لیخنند مهربانانه درخواستم را زد کرد و گفت: «زندگی من شاید برای شما عجیب باشد. اما این قصه مشترک خیلی از خانواده‌های شهدا و جانباز است. شاید شما کم شنیده باشید…» اسم را نگذازد. باید حرف‌های دیگران را هم بشنوی… این قصه‌ها اقتدار زیاد است…» دومین کنگره شهدای غواص تمام می‌شود. هر کدام از ما پرواز می‌کنیم و به خانه خود برمی‌گردیم اما دل من جایی میان زمین و آسمان سرگردان می‌ماند. یک جمله از جمله‌های آن زن، با آن چشم‌های مهربان، مثل خوره به جانم افتاده است: «شاید شما کم شنیده باشید…»

افراد جانبازی که قطع نخاع شده‌اند سخت است. باید پیوسته مراقب‌شان بود. مثلاً باید مراقب باشی که مبادا بدن‌شان بسوزد چون دیگر این زخم‌ها و سوختگی‌ها به سادگی خوب نمی‌شود، حتی گاهی به استخوان می‌رسد و باعث درگذشت فرد می‌شود. همه‌اش به این دلیل که بدن حسی ندارد و مثلاً اگر شیب تا صحیح بپایشان به شوزفاژ داغ چسبیده باشد، کل پوست و گوشت می‌سوزد و خود شخص هم متوجه نمی‌شود. از طرفی چون امکان تحرک و فعالیت ندارند، حتی سیستم دفع بدن‌شان هم سخت است. قصه‌ها و خاطرات زن طولانی بود و یکی از یکی سخت‌تر و دردناک‌تر. اما شیرینی هم کم نداشت. مثلاً بانو تعریف می‌کرد: «من می‌دانستم هیچ وقت نمی‌توانم با این ازدواج بچه‌دار شوم. با این حال، گاهی دلم بچه می‌خواست. شوهرم هم بچه دوست داشت. یک‌بار یکی از دوستانم که در غرب ایران مشغول ام‌داد رسانی بود، گفت در همان بمباران‌ها زنی در آغوش خودم جانش را از دست داد و در همان لحظات آخر گفت که شوهرم شهید شده و من هم دارم می‌میرم. دختر سه ماهه‌ام را به تو می‌سپارم. از آن روز دخترش پیش ما است. دلت می‌خواهد دخترش را به فرزند خواندگی بپذیری؟ موضوع را با شوهرم مطرح کردم و او هم استقبال کرد و با هم رفتیم و دختر را دیدیم. در همان نگاه اول دختر لیخنذی به ما زد که دل‌مان را برد. قرار بود یک هفته بعد بچه را به ما بدهند که دل‌مان طاقت نیاورد و یکی دو روز بعدش دوباره به آنجا رفتیم و گفتیم آمده‌ایم دخترمان را ببریم و او شد دختر ما و حالا داشتن نوه‌هایم هم خیلی خوشحالم.» خانم از دختر و نوه‌هایش که حرف می‌زد مثل همه مادرهای دیگر دستش را سمت گوشی هم‌هاش برد و عکسی را که در پس‌زمینه آن بود نشان داد. نوه‌هایش در آن عکس داشتند با او لیخنند می‌زدند. بعد هم دخترش را نشانم داد. یکی مثل همه

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان



دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲



شماره ۴۰۵۸



www.fdn.ir



FARHIKHTEGADAILY